

نخستین

### اتحادیه اروپا و ممنوعیت خودروهای دیزلی

درخواست هفت کشور اتحادیه اروپا از کمیسیون اروپا برای تجدیدنظر در ممنوعیت فروش خودروهای دیزلی و بنزینی تا سال ۲۰۳۵، بار دیگر توجه‌ها را به چالش‌های صنعت خودروسازی این‌بلوک اقتصادی معطوف کرده است. این کشورهای عضو، که شامل بلغارستان، جمهوری چک، آلمان، مجارستان، ایتالیا، لهستان و اسلواکی می‌شوند، بر این باورند سیاست‌های سختگیرانه برای مقابله با تغییرات اقلیمی باید از جنبه بی‌طرفی فناوری برخوردار باشد تا دولت‌های ملی بتوانند راه‌های مناسب برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را بر اساس شرایط بومی خود اتخاذ کنند.

این درخواست‌ها در قالب دو نامه‌ای که به‌طور خاص به کمیسیون اروپا ارسال شده، مطرح شده است. این کشورهای عضو، در حالی که به لزوم کاهش انتشار CO2 اذعان دارند، تأکید دارند که قوانین باید انعطاف‌پذیرتر باشند تا صنعت خودروسازی اروپا با مشکلات متعدد کنونی از جمله هزینه‌های بالای انرژی، کمبود قطعات خودرو به‌ویژه باتری‌ها و تقاضای ناکافی مصرف‌کنندگان برای خودروهای برقی، دست و پنجه نرم نکند. این هفت کشور پیشنهاد می‌کنند که قوانین باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به خودروهای هیبریدی برقی، خودروهای هیدروژنی و خودروهای سوخت زیستی نیز اجازه بقای پس از سال ۲۰۳۵ را بدهند.

این کشورهای عضو اتحادیه اروپا، که تقریباً نیمی از جمعیت این بلوک را نمایندگی می‌کنند، به شدت مخالف تصمیم کمیسیون اروپا برای اعمال محدودیت‌های شدید بر موتورهای احتراق داخلی هستند. آنها بر این عقیده‌اند که این سیاست‌ها می‌تواند به بحران جدی در صنعت خودروسازی اروپا منجر شود و در مقابل تقاضای فزاینده خودروهای برقی از سوی کشورهای دیگر، اروپا را از رقابت‌های جهانی عقب بیندازد. دومین نامه، که توسط آلمان و ایتالیا نیز امضا شده، بر لزوم حفظ استقلال استراتژیک صنعت خودروی اروپا تأکید دارد و می‌خواهد این صنعت در برابر رقابت‌های جهانی از جمله چین، که به صادرکننده پیشرو خودروهای برقی تبدیل شده است، مقاوم باقی‌بماند.

آلمان که زمانی مرکز قدرت صنعت خودروسازی جهانی بود، در حال حاضر با مشکلات متعددی مواجه است. این کشور از یک سو با تأکید بر تولید خودروهای پاک و از سوی دیگر با کمبود زیرساخت‌های مورد نیاز برای شارژ خودروهای برقی و مشکلات مرتبط با قطعات مورد نیاز برای تولید این خودروها دست به گریبان است؛ به‌ویژه با توجه به گسترش تولیدات خودروهای برقی در کشورهای چین و حتی ایالات متحده، این کشور احساس می‌کند که ممکن است در رقابت‌های جهانی از سایر رقبای خود عقب بیفتد. یانز گیزکه، نماینده آلمان در پارلمان اروپا، در دفاع از این رویکرد به یورونیوز گفته که این کشور خواستار قانونی است که در آن موتورهای احتراق داخلی، در صورت استفاده از سوخت‌های بدون کربن، به‌عنوان بخشی از تکنولوژی‌های آینده به‌شمار آیند.

گروه‌های لابی گر صنعت خودروسازی نیز نگرانی‌های مشابهی دارند و بر این باورند که هدف گذاری سال ۲۰۳۵ برای پایان فروش خودروهای دیزلی و بنزینی به دلیل کمبود زیرساخت‌ها و نیاز به بهبود شبکه‌های شارژ، دیگر واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد.

حمیدرضا علی‌نیا روزنامه نگار

در یکی از روستاهای ایالت «مادیا پراداش» در مرکز هند، پریملا پهلادی ۳۸ ساله و مادر دو کودک، هر ماه مبلغی ثابت از دولت دریافت می‌کند. این پول نه به‌عنوان دستمزد در ازای کاری مشخص، بلکه به‌عنوان یک انتقال نقدی بدون قید و شرط است که صرفاً به دلیل مسئولیت‌های خانگی و مراقبتی که برعهده دارد، به او پرداخت می‌شود. مبلغ ۱۵۰۰ روپیه (معادل ۱۶ دلار) شاید برای بسیاری از افراد کم به نظر برسد، اما برای پریملا و زنان مشابه او در هند، این مبلغ نه تنها نیازه‌های اولیه زندگی بلکه احساس استقلال و قدرت چانه‌زنی را به ارمغان آورده است. این سیاست در حال حاضر در سرتاسر هند در حال گسترش است و ۱۱۸ میلیون زن بزرگسال در ۱۲ ایالت مختلف، به صورت ماهانه حقوق بدون قیدو شرط از دولت دریافت می‌کنند. پرداخت‌های نقدی به زنان که اکنون به یکی از اجزای مهم سیاست‌های اجتماعی هند تبدیل شده‌اند، به‌ویژه در کنار فعالیت‌های خانگی و مراقبتی آن‌ها، به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای تأمین مالی خانواده‌ها شناخته می‌شود.

**آزمایشگاه اجتماعی سیاست‌های جدید** هند که تا پیش از این به یارانه دادن به غلات، سوخت و

مشاغل روستایی عادت داشت، حالا به یک آزمایشگاه اجتماعی برای اجرای طرح‌های پرداخت نقدی بدون قید و شرط به زنان تبدیل شده است. این پرداخت‌ها به زنان تنها به دلیل نقش‌های خانگی آن‌ها انجام می‌شود. زنان هند که بار مراقبت‌های بی حقوق خانه‌ها را به دوش می‌کشند، اکنون از طریق این سیاست‌ها، حمایت مالی از دولت را دریافت می‌کنند.

در حالی که این طرح در سایر کشورها مانند مکزیک، برزیل و اندونزی نیز مورد بررسی قرار گرفته، هند با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، این برنامه را بدون هیچ گونه شرط یا محدودیت اقتصادی در دسترس قرار داده است. به عبارت دیگر، در هند زنان بدون توجه به وضعیت اقتصادی یا اجتماعی خانواده، از این پرداخت‌ها بهره‌مند می‌شوند. این طرح که ابتدا در سال ۲۰۱۳ در ایالت «گوا» آغاز شد، به سرعت در سایر ایالت‌های هند گسترش یافت؛ به‌ویژه در سال‌های اخیر، به‌ویژه با فراگیری پاندمی، ایالت‌ها شروع به اجرای پرداخت‌های نقدی برای حمایت از زنان آسیب‌پذیر کردند. در حال حاضر، این برنامه به یکی از مهم‌ترین موضوعات سیاسی در کشور تبدیل شده و تأثیرات آن در انتخابات ایالت‌ها به وضوح قابل مشاهده است.



#### تأثیرات اقتصادی و اجتماعی

یکی از نکات جالب این سیاست‌ها این است که پرداخت‌های نقدی به زنان به طور مستقیم با کارهای خانگی و مراقبتی آن‌ها ارتباط دارد. در ایالت «تامیل نادو»، این پرداخت‌ها به‌عنوان «کمک حقوقی» معرفی شده است و در ایالت «بنگال غربی»، به‌طور مشخص از سهم زنان در کارهای خانگی و خانوادگی سخن به میان آمده است. هدف این پرداخت‌ها علاوه بر رفع نیازهای اقتصادی خانواده، بازشناسی ارزش اقتصادی کارهای خانگی است.

در بسیاری از ایالت‌ها، این پرداخت‌ها به صورت مبلغی ثابت و ماهانه (بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ روپیه) به حساب بانکی زنان واریز می‌شود. این مبالغ که معمولاً بین ۵ تا ۱۲ درصد از درآمد خانوار را شامل می‌شود، برای تأمین نیازهای روزمره خانواده و مدیریت هزینه‌های آموزشی، پزشکی و خوراکی صرف می‌شود. زنان در هند معمولاً این مبلغ را برای هزینه‌های مایحتاج خانه، آموزش فرزندان، خرید گاز آشپزی، هزینه‌های پزشکی و گاه خرید طلا و دیگر لوازم ضروری خرج می‌کنند.

با این حال، آنچه‌هند را از کشورهای دیگر متمایز می‌کند، عدم وجود هیچ گونه شرایط خاص برای دریافت این

# پرداخت دستمزد به زنان خانه‌دار در هند

دستمزد خانگی بدون قید و شرط به زنان خانه‌دار در هند، فرصتی جدید برای استقلال مالی و شناسایی کارهای خانگی ایجاد کرده است

پرداخت‌هاست. برخلاف کشورهایمانند مکزیک یا برزیل که طرح‌های مشابه با شرط حضور فرزندان در مدرسه یا وضعیت خانوادگی خاصی دارند، هند به سادگی پرداخت‌های نقدی را بدون قید و شرط به زنان ارائه می‌دهد.

#### اثرات سیاسی و اجتماعی در هند

این طرح‌ها نه تنها به رفع نیازهای اقتصادی زنان کمک کرده بلکه توانسته‌اند بر زندگی سیاسی هند نیز تأثیر بگذارند. در انتخابات اخیر ایالت «بیهار»، دولت هند در هفته‌های منتهی به انتخابات مبلغ ۱۰ هزار روپیه (حدود ۱۱۲ دلار) به ۷.۵ میلیون زن در این ایالت واریز کرد. این حرکت نشان‌دهنده تأثیرات عمیق اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان بود. بسیاری از تحلیلگران این اقدام را به‌عنوان یک «خبرد رأی» قلمداد کردند، اما واقعیت این است که پرداخت‌های نقدی به‌عنوان یک ابزار تأثیرگذار در انتخابات عمل کرده است. بسیاری از زنان به دلیل این پرداخت‌ها، به ائتلاف حزب «بهاراتیا جاناتا» (BJP) رأی دادند و نتایج انتخابات تحت تأثیر این سیاست قرار گرفت. این پدیده نه تنها نشان‌دهنده تأثیرات اقتصادی پرداخت‌ها، بلکه حاکی از تغییرات در فرایندهای سیاسی هند است. با توجه به اینکه زنان به‌عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار در سیاست هند به‌شمار می‌آیند، این نوع از پرداخت‌ها عملاً به یک ابزار سیاسی تبدیل شده است.

#### نظرات منتقدان و چالش‌ها

با وجود تأثیرات مثبت این طرح‌ها، منتقدان معتقدند این نوع پرداخت‌ها می‌تواند به خرید رأی منجر شود و به همین دلیل، تأثیرات منفی بر نظام دموکراتیک کشور داشته باشد. همچنین این طرح‌ها فشارهای مالی زیادی به دولت وارد کرده؛ به‌ویژه در شرایطی که ۱۲ ایالت در هند با کسری بودجه مواجه هستند، پرداخت‌های نقدی بدون قید و شرط می‌تواند از نظر مالی برای دولت چالش برانگیز باشد. برخی از تحلیلگران بر این باورند این سیاست‌ها در بلندمدت می‌تواند به نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه دامن زند. از سوی دیگر، بسیاری از زنان این پرداخت‌ها را به‌عنوان یک قدم مثبت برای رسیدن به استقلال مالی و اجتماعی خود می‌بینند. در نظرسنجی‌ها، زنان اعلام کرده‌اند که این پرداخت‌ها به آن‌ها احساس عزت نفس داده است و دیگر نیازی به وابستگی به شوهرانشان برای تأمین هزینه‌ها ندارند. بسیاری از زنان در ایالت‌های مختلف از جمله «مهاراشترا» و «بنگال غربی» گفته‌اند این پرداخت‌ها باعث شده تا کنترل بیشتری بر منابع مالی خانوار داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی نقش پررنگ‌تری ایفا کنند.

منبع: ایکوال تایمز

## استخراج مواد معدنی و بحران‌های زیست‌محیطی

**فعالیت‌های معدنی در کشورهای در حال توسعه، همچون غنا و پرو، سبب آلودگی شدید منابع آبی و تهدید سلامت جوامع محلی شده است**

در واقع، تقویت چارچوب‌های قانونی و اجرایی که از حقوق جوامع بومی و منابع طبیعی محافظت کند، کلید حل بحران‌های زیست‌محیطی است. این اقدامات باید شامل ارزیابی‌های مستقل اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی، تعیین مناطق ممنوعه برای استخراج مواد معدنی و نظارت‌های شفاف و مشارکتی بر پروژه‌های معدنی باشد.

#### لزوم همکاری‌های جهانی

در سطح بین‌المللی، مجامع چندجانبه مانند کنفرانس تغییرات اقلیمی سازمان ملل (COP) و مجمع محیط زیست سازمان ملل (UNEA) می‌توانند نقش حیاتی در مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی ایفا کنند. همکاری میان کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده مواد معدنی است تا از رقابت تخریبی برای پایین آوردن استانداردهای زیست‌محیطی جلوگیری شود.

پیشنهاد‌های جدیدی مانند آنچه کلمبیا برای ایجاد یک پیمان معدنی الزام‌آور معرفی کرده، می‌تواند گام مهمی در راستای ایجاد استانداردهای جهانی و عادلانه‌تر باشد. این پیشنهاد خواستار مشارکت کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده در زنجیره تولید مواد معدنی برای کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی و حفاظت از حقوق جوامع بومی است.

رقابت بر سر مواد معدنی حیاتی، که اساس صنایع نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر را تشکیل می‌دهد، تنها در صورتی می‌تواند به پیشرفت‌های پایدار و مؤثر منجر شود که از طریق چارچوب‌های قانونی محکم و کاهش مصرف مواد در کشورهای توسعه‌یافته، همراه باشد. در غیر این صورت، تخریب محیط زیست و نقض حقوق بشر همچنان تهدیدهایی جدی برای آینده بشریت خواهد بود. این در حالی است که همکاری‌های جهانی و افزایش نظارت‌های زیست‌محیطی می‌تواند به تحقق یک آینده پایدار کمک کند.

منبع: project-syndicate.org

تضعیف ملاحظات زیست‌محیطی، در پی تأمین مواد معدنی برای صنایع خود است. این در حالی است که عربستان سعودی نیز به‌عنوان یک قدرت نوظهور معدنی در حال شکل‌دهی به روابط جدید برای کاهش وابستگی خود به نفت است. در اروپا، برخی گروه‌های منعی با استفاده از تاکتیک‌های گمراه‌کننده تلاش دارند تا قوانین زیست‌محیطی را تضعیف کرده و پروژه‌های معدنی جدید را تسهیل کنند. هدف آن‌ها، همان طور که در تاریخ صنعت سوخت‌های فسیلی دیده‌ایم، کاهش استانداردهای زیست‌محیطی است. این اقدامات نه تنها به تهدیدهای محیط‌زیستی دامن می‌زند، بلکه به نقض حقوق بشر و آزادی‌های اجتماعی نیز منجر می‌شود. دولت‌ها باید در برابر این فشارها، ایستادگی و تلاش کنند تعهدات زیست‌محیطی را حفظ و به مسئولیت خود در قبال محافظت از منابع طبیعی و حقوق بشر عمل کنند.

#### نیاز به قوانین قوی و کاهش مصرف

در مقابل این تهدیدات، تنها راهکار مؤثر، اعمال قوانین زیست‌محیطی مستحکم و کاهش مصرف مواد معدنی در کشورهای توسعه‌یافته است. مصرف بیش از حد در این کشورها، نیاز به استخراج منابع طبیعی را به شدت افزایش می‌دهد. این در حالی است که تحقیقات اخیر نشان می‌دهد شرکت‌هایی که در زمینه رعایت حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فعالیت‌های خود را تقویت کرده‌اند، در بلندمدت عملکرد بهتری دارند.

دولت‌ها باید مسئولیت هدایت تقاضا را به‌عهده گرفته و اقداماتی برای کاهش مصرف مواد معدنی در جوامع خود به‌ویژه در بخش‌های صنعتی و تکنولوژی‌های پیشرفته انجام دهند. در این زمینه، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی صحیح که بر پایه حفظ منابع طبیعی و حقوق بشر بنا شده باشد، تنها راهی است که می‌تواند از بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی ناشی از استخراج معادن جلوگیری کند.

در جهانی که وابستگی به مواد معدنی برای پیشبرد صنایع نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود، رقابت برای استخراج این منابع حیاتی نه تنها تهدیدی برای محیط‌زیست، بلکه به بحرانی اجتماعی تبدیل شده است. از آلودگی منابع آبی گرفته تا نقض حقوق بشر و تخریب اکوسیستم‌ها، چالش‌هایی که امروز با آن مواجهیم نشان می‌دهد که تنها از طریق کاهش مصرف و اعمال قوانین محیط‌زیستی مؤثر می‌توان از آسیب‌های بلندمدت جلوگیری کرد.

#### استخراج مواد معدنی حیاتی

استخراج مواد معدنی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، آثار زیست‌محیطی و اجتماعی غیرقابل انکاری به جا گذاشته است. برای مثال، در غنا، استخراج طلا در کنار رودخانه‌ها سبب آلودگی ۶۰ درصد منابع آبی کشور شده است. در پرو، با تضعیف مقررات زیست‌محیطی و کاهش نظارت‌ها، بسیاری از جوامع دسترسی به منابع آب پاک را از دست داده‌اند. رودخانه «ریمک»، که به‌طور تاریخی منبع تأمین آب پایتخت پرو بوده، اکنون آلوده به مواد معدنی است. این بحران‌ها تنها به مسائل زیست‌محیطی محدود نمی‌شود. در بسیاری از کشورهای تولیدکننده مواد معدنی، استخراج این منابع منجر به تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شده است. طبق گزارش اطلس جهانی عدالت زیست‌محیطی، بیش از ۹۰۰ مناقشه مربوط به معادن در سراسر جهان ثبت شده که اکثر آن‌ها به استفاده و آلودگی منابع آبی مربوط می‌شود.

#### نادیده گرفتن محیط زیست

در سطح جهانی، اقتصادهای بزرگ به شدت در حال رقابت برای تأمین منابع معدنی هستند. ایالات متحده، در تلاش برای کاهش وابستگی به چین در زمینه فراوری عناصر نادر زمین، نه تنها از طریق مذاکره‌های تهاجمی، بلکه با